

صبا که بود و چه بود

شخصیت صبا در خارج از حدود و شیون موسیقی

از محمود مستشاری

شروعگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
آقای مدیر محترم مجله موسیقی از من خواسته اند که در باب احوال عمومی هنرمند فقید استاد ابوالحسن صبا شرحی نگاشتم و آن بخوانندگان گرامی مجله تقدیم نمایم. صبا مجموعه یا چنگی از کمالات صوری و معنوی بود که هر ورق آن یکی از تجلیات اخلاق و هنر است. کوئی در خلقت او قلم تقدیر بر سر محبت و عنایت آمده قرائح و لطایف بسیاری در وجود وی آفریده بود که چنانچه در هر یک از آنها بقدر موسیقی ممارست و مداومت مینمود هر هنری که پیش می گرفت مسلماً در کار آن هنر بمقام استادی رسیده بود. اما طایع لطیف صبا بیشتر بموسیقی تمایل نمود، و بهنری پرداخت که در آن روزگار یعنی پنجاه سال پیش جز در حلقه خاصان و جمعیت روشنفکران خریداری نداشت و برای تعمیم آن باید با تعصبات بسیاری مبارزه مینمود. اما نظر روشن بین صبا بخوبی میدید که باطلوع مشروطیت ایران و انقلابی که در افکار بوجود

آمده طبعاً این هنر باستانی و ملی ما، هنری که با اذهان و ارواح بستگی دارد از قید تعصبات رهایی یافته و بزودی جامعه را تحت تاثیر حقیقی خود قرار خواهد داد. معیناً صبا در عین اشتغال بکار موسیقی از تحصیل فنون دیگر نیز غفلت نورزید و در احراز هنرهای بسیاری توفیق یافت. سخن گفتن در احوال و افکار و کمالات صبا کاری بس مشکل است، زیرا برای انجام چنین منظوری باید عوامل مختلفی از قبیل خانواده و محیط تربیت و تحولات سیاسی و اجتماعی دوره زندگی او را تحت مطالعه قرار داد که از حدود این مقاله خارج است. بنا بر این اینجانب فقط بنحوی مختصری در باب ریشه خانوادگی صبا پرداخته و سپس اجمالاً بدگر مقام و کمالات اخلاقی و هنری او مبادرت مینمایم:

استاد ابوالحسن صبا فرزند مرحوم دکتر ابوالقاسم کمال السلطنه و او نیز فرزند مرحوم میرزا جعفر خان حکیم باشی و میرزا جعفر خان فرزند مرحوم محمود خان (صبا) بوده است. بنا بر این صبا نتیجه شاعر معروف ایران محمود خان (صبا) ملقب به ملك الشعراست که در دربار فتحعلی شاه قاجار بسمت ملك الشعرائی مكاتبی بسزاداشته است. مرحوم دکتر کمال السلطنه پدر صبا نیز علاوه بر معلومات پزشکی از ادبیات و موسیقی بهره کافی داشته و سه تار را بخوبی مینواخته و خانه او پیوسته محفل ازاد بیات و وادب و اصحاب شوق و طرب بوده است.

بنا بر این می بینیم که صبا در يك خانواده مشهور علم و ادب پا برصه وجود گذارده و تحت توجهات پدر دانشمند و هنردوست خود بکسب رشته های مختلف هنری اشتغال ورزیده است. صبا در تمام دوره زندگی، آتی از تحقیق و مطالعه غفلت نورزیده و در محازات رشته های تعلیم مطالعات خود را نیز در رشته های مختلف هنری ادامه میداد. و تعجب خواهید نمود اگر بنویسم در یکی دو سال اخیر بابت کار بی نظیری به تحقیق و تحصیل علم نجوم اشتغال داشت.

معلومات صبا: رساله جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استاد صبا معلومات متعارفی را در کالج امریکائی سابق فرا گرفت و در همان حال نیز شروع بتحصیل موسیقی نمود و ابتدا بنواختن سه تار پرداخت و در خدمت مرحوم میرزا عبداللّه، که از اساتید بی نظیر زمان بود، بشاگردی مشغول و بعداً تحت تعلیمات مرحوم درویش معلومات خود را تکمیل نمود و بعد به ویلون توجه کرده و این ساز را نزد استاد معروف کمانچه مرحوم حسین خان اسماعیل زاده، که اکثر ویلونست های معروف ایران شاگرد آن فقید بوده اند، آموخت و فن ضرب را نیز نزد حاجی خان معروف تکمیل نمود. سپس در مدرسه عالی موسیقی نزد استاد وزیری از طریق علمی صحیح به تکمیل معلومات خود پرداخت و طولی نکشید که بر اثر استعداد زیاد و موقفیت در کار امور فنی مدرسه عالی موسیقی از طرف استاد بوی محول گردید. صبا در

رشته موسیقی علاوه بر ویلون که ساز اصلی او بود در سه تار و سنتور نیز جزء نوازندگان طراز اول بشمار می‌آمد و علاوه در نواختن سایر آلات موسیقی از قبیل تار - کمانچه - فلوت - نی و ضرب مهارتی کامل داشت. صبا علاوه بر سمت استادی در رشته موسیقی صاحب کمالات مختلف دیگری بود که آنچه در حدود اطلاع نگارنده است تا جاییکه حافظه یاری کند ذیلاً شرح داده میشود:

۱ - زبان انگلیسی را بخوبی میدانست.

۲ - در هنرهای نقاشی و کلدروزی معلومات کافی داشت و اکنون آثار مختلفی از کارهای او در این دو رشته موجود است.

۳ - از صنعت نجاری و منبت کاری و قسوف کامل داشت و در ساختن آلات موسیقی دارای مهارت بود. بعضی از ساخته‌های او که از جمله سه تاری نیز می‌باشد اکنون موجود است.

۴ - یکی از هنرهای برجسته صبا حسن خط بود. فقید سعید این فن را زیر نظر کتاب معروف فرا گرفته و بانواع خطوط فارسی از قبیل نسخ و نستعلیق و ثلث و رقاع و شکسته نستعلیق آشنائی کامل داشت. مخصوصاً خط شکسته نستعلیق صبا که در پشت اغلب آثار و کتب چاپی او بیچشم بر میخورد بسیار زیبا و دارای شیوه‌ای کاملاً بدیع است.

۵ - صبا نویسنده‌ای توانا و زبردست بود. نوشته‌های او که در نزد دوستان باقیست دارای اثری جذاب و دلنشین است. یکی از نمونه‌های نثر صبا که باید آخرین اثر نثری وی دانست مقاله است که در بیان هنر و هنرمند هفت روز قبل از مرگش در شماره جمعه ۲۲ آذرماه مجله اطلاعات هفتگی انتشار یافته و روح هر خواننده را تکان میدهد. صبا در این مقاله مقام هنر و هنرمند واقعی را به بهترین وصف توصیف نموده است و جدال حیاتی یک هنرمند حقیقی را با عوامل ذوق کش محیط بسخوبی تعریف کرده است.

۶ - صبا در ادبیات احاطه کامل داشت. از معانی و بیان آگاه بود و مخصوصاً در علم عروض و بدیع تحصیلات کافی داشت و علاوه در سرودن شعر صاحب استعداد و قریحه بود و مخصوصاً با شعاری که مورد فهم عامه بود بیشتر توجه مینمود و از این راه با شعاری ضریبی و فکاهی علاقه خاصی داشت که برای نمونه مطلع دو شعر از قطعات فکاهی انتقادی و عامه پسند او را که آهنگ آن نیز از ساخته‌های خود اوست ذیلاً می‌نکارم:

۱ - آهنگ اول: می‌گذشتم شیبی زیر بازار چه گلبندک

چشم افتاد و دیدم زنی را بزیر عینک

۲ - آهنگ دوم : همه چیزش خوبه این نكار من حيف كه سالك داره
از همان مختصر سالكش دل و جكرم لك داره

آثار صبا :

استاد صبا در موسیقی ایران دارای آثار فراوان است که اهم آنها ذیلا درج می شود :

الف - آثار چاپ شده :

- ۱ - دو دوره کتاب در تعلیم ویلون شامل ردیف های آواز .
 - ۲ - يك دوره کتاب در تعلیم ویلون شامل قطعات ضربی .
 - ۳ - دو دوره کتاب در تعلیم سنتور شامل بعضی از قطعات و ردیف های موسیقی .
- ب - آثاری که تا کنون بچاپ نرسیده :

- ۱ - کتابی در تعلیم سه تار شامل چند ردیف کامل آواز .
- ۲ - در تعلیم آواز شامل کلیه ردیف های آوازهای ایرانی .
- ۳ - در شناسائی سازهای ایرانی و تاریخچه پیدایش هر يك از آنان .

رشته های تعلیمی صبا در موسیقی

صبا از نظر تعدد و تنوع رشته های تعلیم موسیقی بتحقیق یکی از بزرگترین اساتید موسیقی ایران است .

در حوزه تعلیم و تدریس صبا کلاس ویلون - سه تار - سنتور - آواز - ضرب دایر بوده و شاگردان بسیاری باروش علمی صحیح تربیت نموده و تحویل جامعه داده است که امروز در طراز اول قرار گرفته اند و انشاالله نام آنها را، در جزوه ای که بطور جداگانه در دست تنظیم است، منتشر خواهم نمود .

استاد اخلاق و هنر

بعقیده خیلی از متفکرین و ادیبان نظر هنر از مظاهر اخلاق آزاد است ، آنجا که هنر ناید با تمام معانی و جلوه های حقیقی خود عرض وجود کند پای بند بحدود اخلاق نیست . اما بعقیده من هنر که یکی از مظاهر بلوغ و کمال بشریت هنگامی رخ گشوده که سالها مکتب اخلاق در جامعه بشریت مفتوح بوده و هنری ارزنده است که متکی بمکتب اخلاق باشد . صبا این حقیقت را بخوبی دریافته بود . کلاس درس صبا در حقیقت کلاس درس اخلاق بود . صبا دارای اخلاقی شایسته و صفاتی ملکوتی بود و وظیفه تعلیم را بامنتهای ایمان بانجام میرسانید و برخلاف بعضی از اساتید گذشته که بواسطه نقص کمالات معنوی در کار تعلیم بامساک پرداخته و از تعلیم حقایق اصلی و رموز واقعی فن دریغ یا امساک مینمودند ، صبا آنچه میدانست بی مضایقه و با منتهای دلسوزی و ملاحظت بشاکرد می آموخت و در این راه حقیقتاً بخشنده و کریم بود و آثاری که از او برجای مانده نمونه همین اعتقاد و ایمان است . از این رو شاگردان صبا در اندک زمانی در کار خود توفیق یافته و

بسیاری از آنان امروز از نوازندگان طراز اول کشور محسوب میشوند. و خود دارای حوزه تدریس مستقل می باشند. آری صبا عاشق موسیقی و هنر بود و آرزو داشت اثر زحمات او باتمام کیفیت و حقیقت آن بفرزندان میهن منتقل شود و موسیقی ملی ماکتورش یابد و چون منظور حقیقی او عشق بهنر و خدمت بمیهن بود این منظور مقدس باکمال موفقیت جامعه عمل پوشید و شاید بیش از سه هزار شاگرد در فنون مختلف موسیقی و مخصوصاً ویلون در مکتب این استاد هنرمند تربیت یافته و تحویل اجتماع شده اند و توسعه ای که اکنون در رشته ویلون مشاهده میشود مسلماً نتیجه مساعی مستقیم صباست.

برای تشخیص تاثیر اخلاق صبا در شاگردانش، کافیست شاگردان درجه اول او را مورد مطالعه قرار دهیم. در جبین بیشتر آنها نوری از تقوی و پرهیزکاری هویداست گویی همه این آهنگ استاد را همیشه در گوش دارند که می فرمود: «فرزندان من، هنر را برای خاطر هنر دوست بدارید و این مقام بلند انسانی را بخاطر شئون مادی حقیر نسازید تا ارواح را مسخر نمائید و بردلها حکومت کنید.»

صبا و آرزوهای آینده او

صبا آرزو داشت که روزی جامعه ما از تمام وسایل آسایش و زندگی برخوردار و سطح فرهنگ توسعه یابد و روح هنر و هنردوستی در افراد تعمیم یافته هنر و هنرمند در شان واقعی خود مورد احترام قرار گیرد و عوامل اجتناب ناپذیری که در امر معاش و ادامه زندگی مانند هیولای وحشت زائی در برابر هنرمند قرار گرفته از میان بر خیزد تا هنرمندان ما بتوانند بی دغدغه و تشویش بکار هنر پردازند و در دنیائی که مانند برق بجلو می رود کاروان ملت مانیز در شاهراه ترقی و تکامل باز نماید.

صبا مردی بلند همت و بی نیاز بود و هیچگاه از نزدیکترین دوستان خود خواهشی ننمود، مثل اینکه خود را در اعظمتی می دید که فوق نیازمندی های بشریست.

مرگ صبا بی شک یکی از بزرگترین ضایعات عالم هنر است که نمی دانم مکتب هنری ما چگونه و چه وقت ممکن است نظیر چنین استاد بلند پایه ای را بیوراند و تحویل اجتماع دهد. اکنون از مجله شریفه موسیقی معذرت می خواهم که بواسطه ضیق وقت بیان بیشتری در باب خصایل و فضایل صبا ممکن نگردید و اکمال این وظیفه را باتمام جزوه ای که بمناسبت مرگ صبا در دست تهیه است موکول مینمایم.

من وظیفه خود میدانم که به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که وجود همایونش بزرگترین پشتیبان هنر است از عنایاتی که در باره خانواده صبا مبذول و اوامری که برای تجلیل و حفظ آثار او فرموده اند سر تعظیم و شکر گذاری فرود آورم.

و همچنین خود را مکلف میدانم از توجهات جناب آقای پهلبد که بحقیقت مشوق هنرمندانند
سیاسگذاری نمایم و از مساعدنهای گرانبهای ایشان در پیش آمد مرگ صبا تشکرات
خود را تقدیم دارم. امیدوارم در پرتو مساعی ایشان وسایل آسایش هنرمندان نامی
که اکنون در قید حیاتند کاملاً تأمین گردد و هنرهای ملی ما شهرت گذشتهٔ جهانی خود
را دوباره بزودی بدست آورد.
در خاتمه اشعاری را که بمناسبت مرگ استاد فقید سروده‌ام بعنوان یادبود برای
طبع در مجله شریفه موسیقی ذیلا عرضه میدارم :

نوری ز خدا آمد و هم سوی خدارفت

دیدم که چه ما را بر از دست قضا رفت
از کار قضا هسر چه بما رفت جفا رفت
برقی زد و گلزار هنر سوخت یکبار
گلشن همه ویران شد و بلبل ز نسوا رفت
از مرگ صبا آنکه عزیز دل و جان بود
آنان نتوان گفت چه دیدیم و چه‌ها رفت
آندوست که با پنجهٔ جان پرور شیرین
مسی کرد دو صد شور بیا درد دل ما، رفت
آن یار که پیوسته بسفنجواری یاران
فیض هنرش بود ز دل عقده‌گشا، رفت
گر بود وفائی بحقیقت ز صبا بود
با مرگ صبا عاطفه و مهر و وفارفت
مانند شهابی بدرخشید و ندانیم
این راز ندانم که در این غمکده باید
بی چون و چرا آمد و بی چون و چرا رفت
دیگر تو نیابی ز هنر نام و نشانی
ذوق و هنر از جامعه با مرگ صبا رفت
برخیز صبا جان ز چه در خاک نهانی
بی روی تو از محفل ما نطف و صفا رفت
بر خیز که از هجر تو ای شمع دل افروز
دیدار گل و لاله ز یاد رفتا رفت

یاران، سزد از خون دل از دیده فشانید

بر این در یسکدانه که از دست شمارفت

بی شبهه صبا در صف مردان خدا بود

کاندر طاب دوست بتسلیم و رضا رفت

رفت ارچه صبا لیک باعزاز و بتجلیل

در کار هنر مشتهر و کامروا رفت

« محمود » هنر چونکه ز آیات آلهی است

نوری ز خدا آمد و هم سوی خدا رفت

صبا و مادرش

